

می‌شود و آن کاتارسیس و تزکیه نفسی که برایشان اتفاق می‌افتد در هیچ هنر دیگری رخ نمی‌دهد. تئاتر در همه کشورهای درجه یک دنیا بخش اصلی سید فرهنگی است و امیدوارم که این اتفاق در ایران هم بیافتد اما با این وضعیت که سالن‌ها با رقم‌های عجیب و غریبی کار می‌کنند آقای معینی به شدت از ما حمایت کردند و باعث شدند تا ما نگرانی بابت این اجرا نداشته باشیم و می‌خواهم از طریق رسانه شما به صورت عمومی از ایشان و از تیمم تشکر کنم این تیم جوان پانزده نفره که بدون هیچ چشم‌اندازی و بدون دریغ به من محبت داشتند و امیدوارم که بتوانم جبران کنم.

شاهین پاگزاد:

بخواهیم یا نه همه چیز به اقتصاد برمی‌گردد

تحصیلات آکادمیک من در زمینه مهندسی برق است و از سال ۹۸ و دوران کرونا با تشویق اطرافیانم برای رشد استعدادی که فکر می‌کردم دارم در دوره‌های حرکت و بدن که توسط آقای کامیار صالحی در موسسه کارنامه برگزار می‌شد شرکت کردم و این نقطه آغاز برای من بود و بعد از آن دوره‌های بازیگری مقابل دوربین محمد حسین لطیفی را گذاردم و چند تجربه در زمینه تصویر داشتیم و با توصیه‌های ایشان به تئاتر برگشتم و در دوره تمرکز تابور آقای فلاحت پیشه شرکت کردم و در طول این مدت هم در نمایش‌های خصوصی یا پایان دوره‌های دوستانمان مثلاً در سوره همکاری داشتم تا نمایش «جایی در میان خوکها» که اولین

حضور صحنه‌ای عمومی من است.

برای نقش پاول آیا نیازی بود که با ویژگی‌های فرهنگی و اخلاقی روس‌ها آشنا شوید؟

من اصلاً در طول تمرینات و رسیدن به نقش به فرهنگ روس فکر نکردم چونکه درون ما به داستان یک بحث انسانی است و تماماً به درونیات انسان می‌پردازد و جهان شمول است و ربطی به فرهنگ خاصی ندارد. اما در مورد خود شخصیت و پیچیدگی‌های روانشناختی، فیزیک بدنی و شکل حرکت آن با کمک کارگردان مطالعه و تحقیقات لازم را انجام دادم.

چالش برانگیزترین خصوصیت نقش برای شما چه بود؟

فکر می‌کنم بازی کردن در موقعیت آغل چالش برانگیزترین بخش بازی این نقش بود و آن حالت کثیف و چرک بودن و غوطه‌ور بودن در آن فضا هر چند که تلاش کردم در طول تمرینات در پلاتو ها و محل‌های تمرین با این موقعیت کنار بیایم ولی خود کردن با این موقعیت و حالت حیوانی و اینکه بتوانم به میمیک، چهره و بدن و همه اینها یک رنگ و بوی حیوانی بدهم مهم‌ترین چالش من بود.

ضعف شدید اقتصادی در تئاتر چه آسیب‌هایی را برای بازیگر ایجاد می‌کند؟

آسیب‌هایی که به بازیگر می‌زند بسیار فراوان است و اصلاً بازیگر را پشیمان می‌کند. کار اصلی من در زمینه مهندسی برق است و زمانی که همکارانم از من در مورد درآمد تئاتری و هنری می‌پرسند جوابی جز هیچ ندارم و شاهد تعجب آنها هستم که باورش‌شان نمی‌شود در برابر اینهمه تلاش و زحمت هیچ حمایتی از جایی وجود نداشته باشد. هزینه‌های به اجرا بردن یک نمایش بسیار زیاد است مثلاً در نمایش ما خود گروه در راس آن کارگردان همه هزینه‌ها را تقبل کرده است و این باعث می‌شود رفته رفته افرادی که منبع درآمد دیگری ندارند و به تئاتر به چشم شغل نگاه کرده‌اند پشیمان شوند و چه استعدادهایی که اینگونه از دست رفته‌اند. وقتی هم نسل جدید نیایند، کارها و کیفیت‌شان کم شود و پایین بیاید تماشاگر هم کمتر به سالن‌ها خواهد آمد و یک چرخه معیوب همچنان ادامه خواهد داشت. چه بخواهیم یا نه همه چیز به اقتصاد کشور برمی‌گردد وقتی اقتصاد درست عمل کند مردم شاد هستند، مردم شاد به دنبال تفریح، تجربه، یادگیری و رشد خواهند بود و تئاتر هم یکی از مهم‌ترین ابزارهای رشد بشر است.

اگر سخنی با مخاطبان‌تان دارید

بگویند

از مخاطبان و مردم درخواست می‌کنم که از نمایش حمایت کنند گروه ما بدون هیچ کمکی و دلی و دوستانه بر اساس آرمانی مشترک شکل گرفته و دست ما فقط به سمت مردم دراز است که حمایت کنند و بیایند کار را ببینند و با توجه به فیدبک‌هایی که از اساتید و مخاطبان گرفته‌ایم به آنها اطمینان می‌دهیم که شب خوبی برایشان خواهد بود و پول، انرژی و وقتشان هدر نخواهد رفت.

سارا فتاحی:

پراسکویا در جهانی گروتسک زیست می‌کند

لطفاً مختصری از رزومه و نحوه ورودتان به تئاتر بگویید.

از سال ۹۳ با آکادمی مکتب تهران آقای جلال تهرانی وارد تئاتر شدم و موازی با آن در آکادمی استاد تاریخ آموزش‌های بازیگری مقابل دوربین را گذراندم و بعد هم کلاس‌های بدن و بیان آقای فلاحت پیشه و سپس با «از دواج آقای می‌سی‌سی‌بی» اولین اجرای صحنه‌ایم را تجربه کردم و نمایش «پنهان خانه پنج در» که اجرای آن در سالن اصلی تالار مولوی بود و با استقبال بی‌نظیری از سمت مخاطبان روبرو شد و نمایش‌ها و کارهای فیلم کوتاه دیگری که در آن نقش داشتم تا نمایش «جایی در میان خوکها»

به عنوان یک بازیگر با تجربه کار کردن با یک کارگردان جوان چه چالشی داشت و تاثیر همکاری با یگران با تجربه با کارگردانان جوان چیست؟

من همیشه از ایده‌های تازه و ناب استقبال می‌کنم و آقای آزموده یکی از آن رفقای ناب هستند که سواد و دانش کارگردانی را دارند و بسیار مطالعه و پژوهش می‌کنند. زمانی که در مورد این پروژه با من صحبت کردند کمی سخت بود بخصوص که نقش روبروی من آقای پاکزاد هم اولین تجربه نمایش عمومی‌شان بود ولی اعتماد کردم به ایده‌ها و طراحی و کارگردانی‌شان و رفته رفته در طول کار به من ثابت شد که در جای درستی استفاده‌ام علاوه بر این جایی در میان خوکها یکی از متن‌های باشکوه جهان نمایش است و دو نقش برنده دارند که هر بازیگری احتمالاً دوست داشته باشد که تجربه‌شان کند و آقای آزموده هم دست بازیگرانش را نمیبندد و گارد ندارند تا بتوانی به راحتی عقاید و نظراتت را به گفتگو بگذاری و به نتیجه برسی.

از صحبت‌های بازیگران و کارگردانان تئاتر اینطور برمی‌آید که تئاتر روزهای سختی را می‌گذراند آیا خانه تئاتر توانسته پلی برای انتقال خواسته‌ها و مشکلات جامعه تئاتری باشد؟

اگر بخواهم صادقانه پاسخ بدهم این ارتباط سال‌هاست که قطع شده و ما تئاتری کاملاً رها شده داریم. یک سری آدم‌هایی هستیم که دلمان می‌خواهد کاری را تجربه و زیست کنیم و تحت هیچ‌گونه حمایتی قرار نمی‌گیریم و هر اتفاقی چه سیاسی و اقتصادی در این کشور می‌افتد مستقیماً به بدنه تئاتر صدمه می‌زند و این واقعا دردناک است.

چالش نقش پراسکویا برای شما چه بود؟

فکر می‌کنم با هر رویکرد کارگردانی این نقش ویژگی‌هایی دارد که هر بازیگری دلش بخواهد آنرا تجربه کند اما برای من آنچه خیلی جالب بود گروتسکی بود که این زن آن را زیست می‌کند شما به ظاهر زنی رامی ببینید که بر حرفی می‌کند و شاید حتی سرزندگی را در او ببینید اما چهل سال از زندگی او در یک خوکدانی متوقف شده است. او به عنوان یک زن سرکوب شده اجازه داشتن یک زندگی سالم به همراه همسرش را از گرفته شده. به تصویر در آوردن توامان درد، غم و کلافگی او که کاملاً جهان شمول است و فقط مختص این زن نیست، می‌توانیم پراسکویا را در هر جای دنیای زنی را ببینیم که فقط دارد عمر می‌کند در کنار روزمرگی زندگی‌اش اصلی‌ترین چالش من بود.

با توجه به اینکه نمایش اثری ضد جنگ محسوب می‌شود لزوم یادآوری اینکه جنگ دقیقاً چقدر مخرب است را چطور می‌بینید؟

اینکه ذهن ما گریزی بزند به دورانی که انقدر به بشر سخت گذشته لازم است. این آزادی و صلحی که بشر بدست آورده قطعاً زمانی درگیر قضایای سیاسی کشورها بوده پس به یاد آوردن آن مشقت‌ها و سختی‌هایی که انسان‌ها متحمل شدند تا به صلح و آزادی برسند همیشه زیباست.

سخن پایانی

فکر می‌کنم که برای گروه‌های مستقل و تجربی باید امکان تبلیغ و اطلاع رسانی راحت‌تری فراهم شود در این شرایط اقتصادی جوانانی که دست بر زانو گذاشته در راه آگاهی افکار انسان‌ها قدم بر می‌دارند لایق کمک‌های همه‌جانبه هستند چه از سمت اساتید و پیشکسوتان و چه از سمت جامعه. بهترین کاری که خانواده‌ها می‌توانند انجام دهند اینست که دست همسر و فرزند خود را بگیرند و به دیدن نمایش‌ها بیایند که هم خالی از لطف نیست و هم اینکه حمایتی خواهد بود از جوانانی که اینگونه بی‌پروا و با شعور بدون هیچ حمایتی فعالیت می‌کنند.

